
واکاوی کیفی نگرش دختران دانشجو نسبت به اعتراضات سال ۱۴۰۱ به شیوه نظریه داده‌بنیاد

سید محمدجواد گرجی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران دانشگاه شهید باهنر کرمان

Email: sj.gorji@gmail.com

■ چکیده

این پژوهش به دنبال واکاوی کیفی اعتراضات دانشجویی دختران و ارائه نظریه بر اساس گردآوری نظام‌مند داده‌ها جهت بررسی معنایی و زوایای پنهان پدیده بوده است. روش کار کیفی و با استفاده از نظریه داده‌بنیاد و با نمونه‌گیری هدفمند و روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و پرسش‌نامه باز ساختار نیافته، داده‌ها جمع‌آوری گردید و بر اساس اشباع نظری تعداد ۲۰ نفر از دانشجویان دختر دهه هشتادی دانشگاه شهید باهنر کرمان مورد بررسی قرار گرفتند. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش نظام‌مند اشتراوس و کوربین به کدگذاری باز، به شناسایی عوامل اصلی، مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌ها منجر شد.

یافته‌ها؛ پارادایم ظهور یافته شامل سه بعد شرایط، کنش - تعامل‌ها و پیامدها است که بر مبنای نتایج پژوهش در سه بعد شرایط شامل انباشت مسائل اجتماعی و اقتصادی - گرایش به عدالت‌خواهی و آزادی و تمایلات دینی - نقش رسانه‌ها - اثرگذاری سلبریتی‌ها و... و در بعد پیامدها شامل گرایش به تغییر پوشش - احساس بیگانگی با حاکمیت و ناتوانی در فهم موقعیت بوده است که حول یک مقوله هسته به نام بازسازی هویت فردی شکل گرفته‌اند.

■ **کلیدواژه‌ها:** دختران، اعتراضات دانشجویی، سال ۱۴۰۱، داده‌بنیاد، نگرش، روش کیفی.

مقدمه و بیان مسئله

پائیز سال ۱۴۰۱ برای کشور عزیزمان ایران، فصلی پر التهاب و متفاوت بود. گوشه‌گوشه این مرز پر گهر شاهد رخدادهایی از جنس خشم و اعتراض یا وحشت و دلهره بود. عده‌ای متعجب، عده‌ای دیگر غضبناک و انبوهی هم تماشاگر اوضاع. به هر روی مجموعه اتفاقاتی در مدت یاد شده رخ داد که زمینه تحلیل‌های اجتماعی و سیاسی را بیش از گذشته فراهم کرد و کرسی‌های علمی ایران و بلکه جهان مجدداً برای فهم رخدادهای در حال وقوع بسیج شدند.

در این مدت ده‌ها نفر کشته شدند، صدها نفر مجروح شدند، هزاران نفر دستگیر شدند، میلیاردها ریال خسارت مادی به اموال دولتی و خصوصی وارد شد و از همه مهم‌تر میلیون‌ها نفر دچار ناراحتی و اضطراب. در این میان تحلیل‌های گوناگونی توسط صاحب‌نظران عرصه‌های گوناگون علمی ارائه شد که هر کدام از زاویه‌ای به موضوع می‌نگریستند؛ از تأثیر دخالت‌های بیگانگان در قالب جنگ ترکیبی تا بحران‌های اقتصادی، ناکارآمدی مدیران، شکاف‌های نسلی و فرهنگی و... بی شک در این میان، علم جامعه‌شناسی به‌ویژه در گرایش مسائل اجتماعی آن، بیش از دیگران مخاطب سؤالات مردم و رسانه‌ها بود؛ سؤالاتی که حاکی از درماندگی در فهم این وقایع گسترده و سریع بودند و تشنه پاسخ‌هایی که هم به فهم زوایای پنهان موضوع کمک کنند و همراهی را برای برون‌رفت پیشنهاد دهند.

به طور طبیعی دیدگاه‌های جامعه‌شناختی گوناگونی هم در این مدت ارائه شدند؛ به طور مثال جامعه‌شناسانی؛ مانند عماد فروغ، نارضایتی متراکم ناشی از بیکاری، تورم، فقدان امید به آینده و فقدان مشارکت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی توسط معترضان رها شده که تحت تأثیر عوامل ساختاری هستند را مورد اشاره قرار می‌دهند و از آنارشیسم رها شده‌ای که فاقد ایدئولوژی است سخن می‌گویند. یا تحلیل گرانی مانند اردشیر گراوند که از تضعیف نظام اجتماعی و خانواده و عدم تعادل سرزمینی و عدم دولت مداخله‌گر سخن رانده‌اند و یا دیگرانی مانند غلامرضا جمشیدی‌ها که معتقدند ناآرامی‌های اخیر نوعی براندازی بوده که از سوی غربی‌ها تقویت شده است. طبیعی است اولین گام برای پاسخ عمیق و عالمانه به این‌گونه پرسش‌ها، فهم دقیق و واقعی پدیده و

واکاوی زوایای پنهان آن در میدان کنش اجتماعی است. از آنجایی که دسترسی به آمار و اطلاعات دقیق در این گونه موضوعات سخت و یا زمان بر هستند، این پژوهش و امثال آن بر آن هستند تا مبتنی بر شواهد واقعی و بر اساس روش‌های علمی معتبر، برای این سؤال پاسخ در خوری را به جامعه علمی، سیاست‌گذاران و عموم مردم ارائه نمایند.

پرسش‌های پژوهش

- دانشجویان دختر نسبت به اعتراضات مردمی در وقایع اخیر ایران چه نگرشی دارند؟
- زمینه‌های شکل‌گیری اعتراضات از دیدگاه دختران دانشجو چه بوده است؟
- تصور دانشجویان دختر درباره دیدگاه حاکمیت به و دیدگاه آنها به حاکمیت چیست؟

پیشینه پژوهش

سید مسعود موسوی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «سناریوهای محتمل برای بروز شورش و اعتراض اجتماعی» پیشران‌ها و محرک‌هایی برای بروز شورش‌های اجتماعی در سال ۱۴۰۰ شامل وضعیت نامساعد اقتصاد کشور، مشکلات ناشی از تداوم بحران کرونا، ابهام در آینده مذاکرات هسته‌ای، انتخابات و تشدید شکاف‌های سیاسی موجود، اعتراضات صنفی، اعتراض بازاریان و سهام‌داران بورس، بحران خشکسالی و کمبود آب، مسائل قومی - محلی، تحریکات اپوزیسیون و رسانه‌های برانداز را بر می‌شمارد و از سناریوهایی برای اعتراض اجتماعی در سال یاد شده با عناوین سناریوی اعتراض صنفی پراکنده، محدود و بدون خشونت، سناریوی اعتراض صنفی هماهنگ، فراگیر و بدون خشونت، سناریوی اعتراض سیاسی در ارتباط با انتخابات ریاست‌جمهوری، سناریوی بروز اعتراضات محلی همراه با خشونت در ارتباط با کمبود آب، سناریوی اعتراضات و شورش‌های فراگیر با خشونت نام‌برده است.

سهیلا صادقی (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای با عنوان «مسئله‌شناسی زنان بنا بر روایت زنان» به‌صورت کیفی و با روش مصاحبه عمیق با ۵۴ نفر از زنان ۱۹ تا ۵۹ ساله، مسائل آنها را به دودسته خصوصی و عمومی تقسیم کرده است و زنان بر اساس موقعیت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و فردی مسائل خود را مبتنی بر تجربیات روزمره شکل داده‌اند.

پناهی نسب و دیگران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی جنبش دانشجویی در ایران بر مبنای نظریه رفتار جمعی نیل اسملسر (مورد مطالعه: تسخیر سفارت آمریکا)» به روشی کیفی از زمینه‌های ساختاری، فشارهای ساختاری، گسترش باورهای تعمیم‌یافته، عوامل شتاب‌دهنده و بسیج مشارکت‌کنندگان در بروز جنبش دانشجویی ایران نام برده است و برای هر یک از این عوامل پنج‌گانه مصادیقی را در طی جنبش مذکور برمی‌شمارد.

قائدی و دیگران (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای با عنوان «عوامل مؤثر در بروز بحران امنیتی در شهرهای ایران» با استفاده از نظریه محرومیت نسبی، اعتراضات آبان‌ماه ۱۳۹۸ ایران را بررسی کرده و از عواملی مانند کاهش توانایی مردم در نتیجه تحریم‌های بین‌المللی، کاهش رشد اقتصادی، افزایش نرخ دلار، کاهش درآمد سرانه و... در ایجاد احساس محرومیت نسبی نام برده است که عاملی برای تبیین شورش‌ها محسوب می‌شوند.

علیرضا کریمی و دیگران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «نگرش سیاسی دانشجویان کنشگر و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن» نگرش سیاسی را بر اساس دیدگاه آلmond و وریا بخشی از فرهنگ سیاسی قلمداد کرده و آن را بر اساس طیفی از مثبت (امیدواری به حیات سیاسی - اجتماعی کشور) تا منفی (ناامیدی از حیات سیاسی - اجتماعی کشور) اندازه‌گیری کرده و عواملی مانند سرمایه اجتماعی، میزان دینداری و نوع تشکل دانشجویی را دارای قدرت تبیین‌کنندگی در نگرش سیاسی دانشجویان برشمارده است. آنا بریت کو (۲۰۲۲) در پژوهشی داده‌بنیاد با عنوان «خشونت روزمره و شرایط مقطعی شکل‌گیری شرایط ناامنی اجتماعی و سیاسی در جوانان»، سه دسته شرایط را دخیل در فرایند معناسازی و شکل‌دهی رفتار خشن جوانان اکتشاف کرده است: زمانی، مکانی و سیاسی. شرایط زمانی باعث ایجاد تجربیات مشترک در میان گروه هدف شده‌اند که با خشونت‌های اجتماعی گسترده‌تر مطابقت دارند و شرایط مکانی و سازمانی، تجارب ناایمنی سیاسی را ایجاد می‌کند که با خشونت ویژه هدف‌گذاری شده با کنش سیاسی مرتبط بوده است.

تایم نیومن (۲۰۲۱) در مطالعه «دلایل و پیامدهای شورش و ناآرامی‌های شهری» از سه زمینه در تحلیل شورش‌ها بهره برده است: ساختاری، سیاسی - ایدئولوژیک و

فرهنگی. زمینه ساختاری عمدتاً وابسته است به ماهیت روابط میان گروه‌های اجتماعی مختلف و دولت؛ زمینه سیاسی-ایدئولوژیکی به بررسی ماهیت سیستم سیاسی و تأثیرات آن بر گروه‌های اجتماعی می‌پردازد و زمینه فرهنگی در گستره ماهیت سازمان‌دهی رسانه‌های ملی و محلی عمل می‌کند.

لوئیس و دیگران در «رفتار توده‌ای و کنش اجتماعی» بر اساس تئوری هویت اجتماعی برای درک رفتار توده‌ای و کنش جمعی، به بررسی نوع هویت‌پذیری اجتماعی جوانان در شکل‌دهی به شرایط صلح و درگیری می‌پردازد.

چشم‌انداز مفهومی

یکی از نظریاتی که پدیده جنبش‌های اجتماعی معاصر را به‌خوبی تبیین می‌کند، نظریه نیل اسملسر است. او معتقد است که چنین رفتارهای جمعی، پاسخی به مشکلات یا فشارها در نظام‌ها باهدف تصحیح آنهاست و شش عامل را در بروز یک جنبش اجتماعی برمی‌شمارد:

اول؛ زمینه مساعد ساختاری، دوم؛ فشار ساختاری که زمینه مساعد ساختاری را فعال می‌کند، یعنی هنگامی که فشاری بر جامعه تحمیل می‌شود، مردم اغلب برای یافتن راه‌حل پذیرفتنی به همکاری با یکدیگر ترغیب می‌شوند، سوم؛ گسترش عقاید تعمیم‌یافته یعنی عقیده‌هایی که منبع فشار را معرفی می‌کند و ویژگی‌های معینی را به این منبع نسبت می‌دهد و واکنش‌های معینی را در مقابل فشار، ممکن یا مناسب معرفی می‌کند. چهارم؛ عوامل تسریع‌کننده که همان رویداد مهمی است که افراد را به واکنش جمعی برمی‌انگیزاند. پنجم؛ بسیج مشارکت‌کنندگان برای کنش که در این مرحله، بسیج‌سازی و رفتار رهبران اهمیت دارد و ششم؛ عملکرد کنترل اجتماعی که به دو نوع گسترده تقسیم می‌شود: کنترل‌هایی که زمینه مساعد ساختاری و فشار را به کمترین اندازه می‌رساند و مانع وقوع رفتار جمعی می‌شود و کنترل‌هایی که صرفاً پس از اینکه یک مورد جمعی آغاز به شکل‌گیری و تحقق کرد اعمال می‌شوند (پناهی نسب و دیگران، ۱۳۹۹: ۶۱).

از دیگر نظریاتی که برای تبیین اعتراضات در ایران کاربردی هستند نظریات مکتب کنش متقابل نمادین هستند. براساس مفاهیم محوری مکتب کنش متقابل نمادین،

رفتارهای اجتماعی به منزله محصولات خلاقانه‌ای هستند که در فرایند کنش متقابل اجتماعی تولید می‌شوند. در این فرایند تولید افراد اجتماعی، ضروری است که فرد برای برخورداری از یک خود اجتماعی، عضوی از یک اجتماع باشد و بر مبنای نگرش‌های مشترک اجتماع هدایت شود. در این زمینه نظریه جرج هربرت مید درباره شکل‌گیری مفهوم خود از نوعی دیدگاه عمل‌گرایانه در دو سطح فردی و اجتماعی ارائه شده است که در سطح فردی، خود به فرد کمک می‌کند تا عضو کارآمدتری برای جامعه گسترده‌تر باشد و در سطح اجتماعی انسان می‌کوشد تا انتظارات گروه را برآورده سازد؛ بنابراین از ناکارآمدی‌های ناشی از شکست در انجام کارهایی که گروه انتظار آن را دارد، پرهیز خواهند کرد. همچنین افراد به‌منظور ایستادگی در برابر دیگری تعمیم‌یافته باید یک دیگری تعمیم‌یافته بزرگتری به وجود آورند که نه تنها زمان حال، بلکه گذشته و آینده را نیز در برمی‌گیرد. بنابراین در برابر آنها هم پاسخی دارد. همچنین امید در تبیین ویژگی‌های اساسی نهادهای اجتماعی، این نکته را مطرح می‌کند که نهادها لزوماً فردیت را نابود نمی‌کنند یا خلاقیت را از بین نمی‌برند. او می‌پذیرد که نهادهای اجتماعی سرکوبگر، کلیشه‌ای و بسیار محافظه‌کاری وجود دارند که به‌واسطه تحجرگرایی کم‌وبیش خشک و انعطاف‌ناپذیرشان فردیت را لگدکوب می‌کنند و یا از اذهان می‌زدایند. با وجود این، مید بلافاصله اضافه می‌کند که: «هیچ‌گونه دلیل ضروری و اجتناب‌ناپذیری برای این مسئله وجود ندارد که چرا نهادهای اجتماعی بایستی سرکوبگر یا شدیداً محافظه‌کار باشد، یا این که چرا نباید خیلی انعطاف‌پذیر، ترقی‌خواه و مشوق فردیت باشند، چنانچه بسیاری از آنها این‌گونه هستند. به نظر مید، نهادها فقط بایستی آنچه را که انسان‌ها می‌باید انجام دهند در تعبیری بسیار گسترده و کلی تعریف کنند و برای فردیت و خلاقیت امکان و فرصت بیشتری فراهم آورند. در اینجا مید مفهوم بسیار نوینی از نهادهای اجتماعی را پیش می‌کشد، نهادهایی که هم برای افراد الزام‌آورند و هم اینکه آنها را در جهت خلاق‌تر شدن کمک می‌کنند (توسلی، ۱۳۷۴: ۳۴۵) بدین ترتیب طبق نظریه مید، هنگامی که در فرایند شکل‌گیری دیگری تعمیم‌یافته اختلالی رخ می‌دهد، فرد بر هویت خویش شورد و یا برای احیای آن به تکاپو می‌افتد. هربرت بلومر بیان می‌کند که یکی از پیش‌فرض‌های اصلی کنش متقابل نمادین این است که

یک فرد برای درک یک عمل باید به داخل فرایندی که در آن اتفاق می‌افتد وارد شود و نقش آن عمل را بازی کند (بلومر، ۱۹۶۹: ۱۶).

چارلز هورتون کولی از دیگر نظریه‌پردازان این مکتب نیز معتقد است: تصور افراد درباره خودشان بر اساس تعریفی که دیگران از آنها دارند شکل می‌گیرد. خود اجتماعی بازتابی از خود آینه‌سان است؛ ما در آینه تصورات دیگران حالات و ویژگی‌های خود را می‌یابیم و از آن تأثیر می‌پذیریم. چیزی که ما را به غرور و مباهات یا شرمندگی و نارضایتی می‌کشاند، تصویری ذهنی است که از تصورات دیگران درباره خودمان داریم؛ بنابراین به نظر کولی تصویر فرد درباره برداشت دیگران از او بر نوع نگاه و احساس او درباره خودش تأثیری تعیین‌کننده دارد و در نتیجه نگرش‌ها و رفتارها و هنجارهای او را جهت خواهد داد. (همان: ۳۴۸)

از نقطه‌نظر جنکینز، هویت اجتماعی یک بازی است که در آن رودررو بازی می‌شود. هویت اجتماعی درک ما از این مطلب است که چه کسی هستیم و دیگران کیستند و از طرفی درک دیگران از خودشان و افراد دیگر چیست؟ از این‌رو هویت اجتماعی نیز همانند معنا ذاتی نیست و محصول توافق و عدم توافق است و می‌توان در باب آن نیز به چون‌وچرا پرداخت. (جنکینز، ۱۳۸۱: ۸) از طرفی دیگر، روند تغییرات اجتماعی چنان سرعت و عمق یافته است که اصیل‌ترین عرصه حیات بشری را درنوردیده و انسان‌ها را در یک دگرگونی جدی فرهنگی قرار داده است به‌گونه‌ای که فرهنگ آموخته شده پیشین در شرف اضمحلال می‌باشد.

از دیگر نظریات تبیین‌کننده شورش‌ها و اعتراضات نظریه محرومیت نسبی جیمز دیویس است. او در تبیین معنایی نظریه خود به عوامل اقتصادی در بروز انقلاب‌ها اشاره می‌کند که باعث شکل‌گیری پدیده انقلاب با ریشه‌های ذهنی می‌شوند. در نظریه او که به منحنی J نیز معروف است، فقر یا محرومیت مطلق نمی‌تواند به‌صورت عامل محرکی در انقلاب باشد؛ زیرا وقتی مردم در بدترین شرایط به سر می‌برند، به دلیل درگیر بودن در مشکلات زندگی، احتمال اینکه دست به قیام بزنند کمتر است و بدین صورت چیزی که می‌تواند عامل و محرک شورش گردد، محرومیت نسبی است. (دیویس، ۱۹۶۲: ۵-۱۹؛ به نقل از هراتی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۸۴)

همچنین نظریه بوردیو در مفهوم سرمایه‌ها قابل توجه است. او با علاقه نسبت به فراتر رفتن از ضدیت میان فرد و جامعه و علاقه به رابطه دیالکتیک میان ساختار و شیوه ساخت واقعیت‌های اجتماعی از سوی کنشگران، با روش پراکسیولوژی، نظامی از روابط دیالکتیک میان ساختارهای ایزکتیویسم و داده‌های ساخت‌یافته را در برمی‌گیرد که به طور مرتب در حال بازتولید است (Bourdieu, 1990: 72) او به‌منظور بررسی نقش فرد درون ساختارها با طرح نظریه پراتیک، نظریه‌ای عمومی در تحلیل پدیده‌های اجتماعی بنیان‌گذاری کرد. (نقیب‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۸۱) لذا جهان اجتماعی از نگاه او به میدان‌های رقابتی تقسیم می‌شود که هر کنشگر در هر میدان برای در اختیار گرفتن جایگاه بهتر مبارزه می‌کنند.

روش پژوهش

امروزه روش‌های تحقیق کیفی توانسته‌اند به‌خوبی تکمیل‌کننده روش‌های کمی باشند و در برخی حوزه‌های پژوهشی، زوایای پنهان پدیده‌های اجتماعی را واکاوی نمایند. روش داده‌بنیاد «در دهه ۱۹۷۰ در خط مقدم انقلاب کیفی و نقطه بحرانی در تاریخ علوم اجتماعی انجام‌وظیفه کرد و اگر قابلیت‌های این روش نبود، امروزه نمی‌توانستیم شاهد بالندگی و شکوفایی پژوهش کیفی باشیم (چارمز، ۲۰۰۰: ۵۰۹؛ به نقل از دانایی‌فرد و دیگران، ۱۳۷۷: ۷۰). آن‌گونه که از ویژگی‌های این روش ویژه است ما هنگامی سراغ استفاده از نظریه داده‌بنیاد می‌رویم که نیازمند یک نظریه یا تبیین کلی و اجمالی از یک فرایند هستیم (دانایی‌فرد و امامی) بدین ترتیب، پژوهش کنونی از جهت ماهیت از نوع کیفی، از جهت استراتژی از نوع استقرایی و از جهت ویژگی داده‌ها از نوع نظریه داده‌بنیاد است.

مشارکت‌کنندگان در پژوهش از میان دانشجویان جدیدالورود دانشگاه شهید باهنر کرمان که همگی متولدین دهه هشتاد شمسی بوده‌اند، با استفاده از شیوه نمونه‌گیری هدف‌مند در دسترس و بر مبنای اشباع نظری به میزان ۲۰ نفر انتخاب شده‌اند. با توجه به راهبرد پژوهش و حساسیت‌های موجود، از پرسش‌نامه باز نیمه‌ساختار یافته به همراه بحث گروهی جهت گردآوری داده‌ها استفاده شده است که جهت تأمین حداکثری روایی و پایایی داده‌ها، نام تمامی پاسخگویان در تمامی فرایند پژوهش

محفوظ بوده است. پرسش‌نامه‌های باز بی‌نام و بحث گروهی در قالب جلسات درسی طول ترم اول سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ تکمیل و اجرا شده است. سؤالات کلی پرسش‌نامه و بحث گروهی با تأکید بر مدل پارادایمی شامل دلایل، شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، پیامدها و استراتژی‌ها آورده شده است. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، پرسش‌نامه‌ها با تحلیل مقایسه‌ای مداوم و مطابق با روش اشتراوس و کوربین در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شده‌اند و سپس مفاهیم مشابه به لحاظ مفهومی در هم ادغام شده‌اند و بر اساس کدگذاری گزینشی، مقوله‌های محوری را تشکیل داده‌اند. جهت بررسی روایی یافته‌های پژوهش از روش بازبینی‌های مکرر توسط محقق و جمع‌آوری داده‌ها از منابع مختلف مانند اساتید دانشگاه و دانشجویان استفاده شده است. همچنین برای تضمین پایایی، تلاش کردیم تا فرایندها و تصمیم‌های مربوط به پژوهش به‌طور مستند و واضح در متن پژوهش تشریح گردند.

یافته‌ها

۱. واکاوی مفاهیم و مقوله‌های محوری

در فرایند واکاوی و کشف مفاهیم، ۱۴۰ مفهوم اصلی استخراج شد که در قالب ۲۰ مقوله محوری دسته‌بندی گردید.

جدول شماره ۱: مشخصات مشارکت‌کنندگان

کد	جنس	سن	دانشجو	نگرش به اعتراضات
زهرا	مؤنث	۱۸	دانشجو	موافق
عسل	مؤنث	۱۸	دانشجو	خیلی موافق
فرشته	مؤنث	۱۹	دانشجو	موافق
پرنیا	مؤنث	۱۸	دانشجو	خیلی موافق
فاطمه	مؤنث	۱۸	دانشجو	بی‌نظر
محمد مهدی	مذکر	۱۹	دانشجو	مخالف
مریم	مؤنث	۲۰	دانشجو	موافق
سینا	مذکر	۱۹	دانشجو	خیلی موافق

کد	جنس	سن	دانشجو	نگرش به اعتراضات
هدی	مؤنث	۱۸	دانشجو	تا حدی مخالف
عهديه	مؤنث	۱۸	دانشجو	خیلی مخالف
مریم	مؤنث	۲۰	دانشجو	خیلی موافق
رضوان	مؤنث	۱۸	دانشجو	تا حدی موافق
فائزه	مؤنث	۱۸	دانشجو	موافق
ریحانه	مؤنث	۱۸	دانشجو	موافق
لعیا	مؤنث	۱۸	دانشجو	موافق
حنانه	مؤنث	۱۸	دانشجو	تا حدی موافق
فیروزه	مؤنث	۱۹	دانشجو	موافق
فاطمه	مؤنث	۱۸	دانشجو	خیلی موافق
آیدا	مؤنث	۱۸	دانشجو	موافق
اعظم	مؤنث	۲۱	دانشجو	بی‌نظر

جدول شماره ۲: مفاهیم اصلی و مقوله‌های محوری مرتبط با اعتراضات

مفاهیم اصلی	مقوله‌های محوری
کشور می‌تواند موضوعات مربوط به مشکلات اقتصادی را حل کند	
ما خسته‌ایم، بغض داریم؛ اما به فردا امیدواریم به خودمان امیدواریم	توانایی حاکمیت برای بهبود
حاکمیت در ریشه خود که جمهوری اسلامی باشد خلاء ندارد؛ اما به واسطه حاکمان، ضعف‌هایی به وجود آمده که نباید به اصل حاکمیت نسبت داد	
حکمرانی لیاقت می‌خواهد	
حاکمیت ما را هیچ می‌پندارد	سلطه و خشونت
مردم از نگاه آنها بردگانی هستند	ادراک شده
به حقوق شهروندان و مردم عادی توجهی نمی‌شود	

مفاهیم اصلی	مقوله‌های محوری
موجوداتی که جوری باید تربیت بشوند که بتونیم بر آنها سلطه پیدا کنیم	
ما رو گروگان خودش می‌دونه	
رفتار متعصبانه و بی‌فکر مسئولین سبب این مسائل شده	
ما را در قفسی انداختند	
انگ اغتشاشگر به تمام مردم بی‌گناه و دانشجویان زدند	
رفتار خشونت‌آمیز و سرکوب‌گرایانه با اعتراض‌گران	
باید تحمل کند، سکوت کند، اعتراض نکند	
گاو شیرده	
تو نباید اشتباه کنی	
به‌جای شنیدن و درک کردن، سرکوب می‌کند	
اعدام کافی نیست، شکنجه‌اش کنید	
برده‌گرایی	
موش آزمایشگاهی	
حکام ایران خود را صاحب تمام منافع و ثروت‌های کشور و جان و مال ملت می‌دانند	
چوپان و گوسفند	
آنها را بسیار متکبر و دارای اعتماد به نفس کاذب می‌بینم	
مردم به جز کوپن نان، کوپن امنیت فکری، آزادی، عدالت و انسانیت می‌خواهند	
اجرای عدالت به‌ندرت دیده می‌شود	عدالت‌خواهی
مسئولیت من را به رسمیت می‌شناسد؛ اما حقوقم را خیر	
جامعه هیچ‌گاه مسئولیت‌پذیر نیست	
در مواقعی به نسل جوان بها داده می‌شود؛ اما باز هم جلوه‌گری است	مطالبه جامعیت دینی
نقاب مظلوم و دفاع از مظلوم را به چهره زده‌اند	

مقوله‌های محوری	مفاهیم اصلی
	قانون در جنبه‌های مختلف اجرا نمی‌شود
	دین اسلام جنبه‌های مختلفی دارد
	در جامعه مسائلی مهم‌تر از دین، مذهب و پوشش هست
	بعضی‌ها اسم اسلام را یدک می‌کشند
	ابزاری کردن دین
	حکومت ما اسلامی نیست
احساس بیگانگی با حکومت	اگر کارت را درست و موردپسند انجام ندهی نه فرزند کسی هستی و نه شهروند
	ما را فرزندان خود قلمداد نمی‌کند
ضعف در انتقال فرهنگی	با عادی‌انگاری قصد دارد انکار کند که نتوانسته ارزش‌ها و هنجارها را به نسل بعد انتقال دهد
	می‌خواهد من را همان ایرانی تبار کاملاً مطابق آرمان‌ها ببیند
	آن‌گونه که بخواهند ما را شکوفا می‌کنند و ما را آن‌گونه که هست نمی‌پندارند
	تصور می‌کنند به راحتی می‌توانند ما را گول بزنند
	با پیدا کردن سلبریتی‌های همراه، انتقاد از الگوهای ارزش‌های اجتماعی را تغییر می‌دهد، تغییری که به سود خود باشد
	کارهای ما را از خامی و تخلیه انرژی می‌خوانند
هیجان‌زدگی و تقلید	بچه‌های عادی از نظر آنها نبودیم
	گودزیلاهای دهه هشتادی
	بعضی افراد از این هرج‌ومرج سوءاستفاده می‌کنند
	نتایج خوبی در پی ندارد
	مشکل باید با فرهنگ‌سازی حل شود
	خیلی‌ها گول خوردند
	شاید خیلی از مواقع فرد دچار خطا و سوء تفاهم شود باعث وخیم‌تر شدن اوضاع شود

مقوله‌های محوری	مفاهیم اصلی
	<p>انگار قوه تفکر و یا تحلیل از جوانان تا حدی گرفته شده</p> <p>شیوه‌ای که پیش گرفته شده قطعاً نتیجه عکس دارد</p> <p>چشم و هم چشمی در ایران زیاد است</p> <p>نمی‌دانم درباره مادری که فرزندش را ازدست‌داده چه بنویسم</p> <p>من راجع به این اتفاقات هیچ چیزی برای گفتن ندارم جز واژه‌ای به نام اندوهناک، غم‌انگیز</p> <p>دریغ از یک‌ذره عاطفه</p> <p>وقتی احساس شنیده نشد، چاره‌ای جز فریادزدن نیست</p> <p>اگر معذرت‌خواهی و دلجویی صورت می‌گرفت، خیلی از ما دلمان آرام می‌گرفت</p> <p>منفعلانه و تقلیدی است</p> <p>اعتراض باید به گونه‌ای تأثیرگذار باشد</p>
<p>نقش رسانه‌ها و عوامل خارجی</p>	<p>عدم سواد رسانه‌ای</p> <p>نقش رسانه در شکل‌گیری اعتراض</p> <p>فیلم‌های ساختگی</p> <p>عدم آموزش</p> <p>نشانه‌ها سمت نظام است</p> <p>صرفاً یک اعتراض نبود</p> <p>افرادی از کشورهای دیگر خودشان رو دلسوز مردم ایران جا می‌زنند</p> <p>کاش جلوی دخالت بیگانه گرفته بشه</p> <p>جامعه جهانی عقاید خودش را به جامعه سرازیر می‌کند</p>
<p>شجاع، آگاه و توانمند بودن جوانان</p>	<p>بسیار پرجرات و شجاع</p> <p>با تاکتیک‌های فرهنگی دهه ۶۰ قانع نمی‌شود</p> <p>نسلی دارای پشتکار و هوش بالا تصور می‌شویم</p> <p>آگاه است، توانمند است، ذهنی فعال دارد</p> <p>نسلی هوشمند و سخت‌باور</p>

مفاهیم اصلی	مقوله‌های محوری
نسل رسانه و تکنولوژی	
به رسمیت نشناختن فردیت و تفاوت‌های فردی میان افراد مختلف	
به دور از پرورش استعدادهای خدادادی	
خیلی کلی نگاه می‌کند	
با بقیه یکی نگاه می‌کند	
امروز ذهن‌های ما، استعدادهای ما، نگرش‌های ما فراتر از انتظارات جامعه است	احساس به رسمیت نشناختن تفاوت‌های فردی
در چهارچوب مشخصی به تفاوت‌های ما احترام گذاشته شود	
متفاوت نگرستن	
اوضاع جهان امروز بر پایه عقاید پست‌مدرن است، یعنی همه عقاید ارزشمند هستند	
راه‌حل امروز، دیدن از منظر دیگران است	
حکومت می‌خواهد همه را یک‌رنگ کند	
هیچ نظری ندارم	ناتوانی در فهم وضعیت
تشخیص حق و باطل سخت شده	
برخاسته از نداشتن آزادی و حق انتخاب	
می‌توان به جای ساکت کردن مردم حرفشان را گوش کرد	
نبود حق پرسش	
نسل جدید به شدت انتقادگر است	
هر کس عقل سلیمی دارد	آزادی‌خواهی
خواستن فردایی بهتر و حق انتخاب	
نبودن بستر مناسب برای بیان عقاید	
دیکتاتوری مذهبی به طور ماکیاولی سم و آری، ایدئولوژی خشک خود را پیش برده	
من با گشت ارشاد موافق نیستم؛ چون زنان خودشان این قدر	

مفاهیم اصلی	مقوله‌های محوری
فهم و شعور دارند	
حجاب امری زیباست اما باید انتخابی باشد	
به درخواست قانونی مردم توجه نمی‌شود	
دین زورکی	
بی‌شک اکنون آزادی وجود ندارد	
مسئولان نالایق زیاد شده‌اند	
بی‌مسئولیتی تعداد زیادی از مسئولین	عدم کارایی
کاش یه جایی مسئولین ما اعتراف می‌کردند که اشتباه کردند	
سلبریتی‌ها نیز در این اتفاقات اخیر کم نقش نداشتند	
سوءاستفاده جریان‌های مختلف از افکار مردم	نقش چهره‌ها
اجتناب‌ناپذیر - زیبا	
باعث شد اقلیت تبدیل به اکثریت شوند	
عوامل زیادی در طولانی‌مدت جمع شدند	
خروج انرژی از مغزی که فشرده شده است	
جامعه امروز ایران یک لیوان لبالب از ای است	
فتر فشرده شده	
علت همه اتفاقات، همان آدم‌ها، اعتقادات، اندیشه‌ها و	انباشت مسائل اجتماعی
خواسته‌های عدیده‌ای است که نیاز به تحلیل فراوان دارد	
موضوعات مختلف درهم‌پیچیده می‌شوند	و
این اعتراض واکنش است	اقتصادی
مرگ مهسا امینی جرقه‌ای در انبار باروت جامعه ایران بود	
گرانی بیش از حد	
مردم ما دیگر تحمل فشارهایی مه به شور وارد می‌شد	
نداشتن فشارهای اقتصادی	
معیشت	
خواسته‌شان فقط کشف حجاب است	کشف حجاب

مفاهیم اصلی	مقوله‌های محوری
مردم ایران خسته‌اند	
من مقصر نیستم و این زندگی منه مسئولیتش با منه	
ما با این نوع از اداره حکومت اعتراض داریم	
انگار دیگر چیزی از ما نمانده که آزرده‌گی را تحمل کند	
حرف واقعی‌مان حجاب نیست؛ بلکه مسائل زیادی هست که شنیده نشده‌اند	تغییرات اجتماعی
هنگامی که مردم می‌بینند اصلاح امکان‌پذیر نیست به فکر تغییر می‌افتند	و
یا مرگ یا پیروزی	سبک زندگی
نیاز الان کشور رنسانسی است که ما را از این قرون‌وسطی خارج کند	
از دلایلش تغییر نگرش و سبک زندگی مردم هست	
ایران به دو جبهه تقسیم شده	دودستگی مردم
ایران ارتباطش با کشورهای بیگانه قطع است	تمایل به ارتباطات جهانی
این اعتراضات برای اینه که فقط و فقط احترام	احترام خواهی
اتفاقات اخیر ادامه خواهد یافت	بدیهی انگاشتن
تاریخ تکرار می‌شود	اعتراضات

جدول ۳: نقش پارادایمی مقولات اصلی

نقش پارادایمی	مقولات اصلی
شرایط علی	انباشت مسائل اجتماعی و اقتصادی
	گرایش‌های عدالت‌خواهانه و آزادی‌طلبانه و دینی
	ناکارآمدی نظام فرهنگی
شرایط زمینه‌ای	احساس تناقض در تصورات دوجانبه میان حکومت و خویشتن
	هیجان‌زدگی و تأثیرپذیری
	تغییرات اجتماعی و سبک زندگی

نقش رسانه‌ها	شرایط مداخله‌گر
نقش چهره‌ها	
احساس سلطه و خشونت	کنش - تعامل
احساس به رسمیت نشناختن تفاوت‌های فردی و تمایزها	
مطالبه احترام و تشخص	
ادامه‌دار دانستن اعتراضات	پیامدها
کشف حجاب	
تشدید احساس بیگانگی با حاکمیت	هسته
ناتوانی در فهم موقعیت	
احساس خشم و عدم تأثیرگذاری در موقعیت‌های اجتماعی	

۲. شرایط

کوربین و اشتراوس بر این باورند که شرایط فقط یک بخش از پارادایم هستند که در پاسخ به پرسش‌های چرا، چگونه و چه وقت می‌آیند (کوربین، ۲۰۱۵) شرایط در این پژوهش شامل مقولات محوری ذیل می‌شوند: آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی - انباشت مسائل اجتماعی و اقتصادی - نقش رسانه‌ها - سلطه و خشونت ادراک شده - تناقض در تصورات دوجانبه میان حاکمیت و خویش‌تن - ناکارآمدی در نظام فرهنگی - هیجان‌زدگی و تقلید از دیگران - تغییرات اجتماعی - نقش چهره‌ها (سلبریتی‌ها)

الف) آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی

یکی از موضوعات پر تکرار دریافته‌ها، پیگیری مفاهیم ارزشی اصیلی مانند آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی است. یکی از پاسخگویان می‌گوید:

«چند سؤال در سر من هست؛ ولی نمی‌دانم از کدام دولتمرد جواب این سؤال‌ها رو بپرسم؟ مگر حکومت اسلامی نیست؟ مگر شما سیره پیامبران و امامان را قبول ندارید؟ مگر امیرالمؤمنین نمی‌گه در کارهاتون از جوانان و نوجوانان استفاده کنید و از آنها مشورت بگیرید و یا باتجربه‌هاتون از نظراتشون استفاده کنید، چون جوانان روحیه شجاعت اخلاقی دارند؟»

و یا پاسخ‌گوی دیگری می‌گوید:

«ما آزادی می‌خواهیم، آزادی برهنگی نیست... آزادی بی‌بندوباری نیست... آزادی یعنی من و تو با هر رنگ و لباسی و عقیده‌ای به هم احترام بزاریم، همدیگر را قضاوت نکنیم و عقایدمان را به هم تحمیل نکنیم.»

ب) انباشت مسائل اجتماعی و اقتصادی

نظریه‌های اجتماعی از تأثیرات گسترده‌تر تلنبارشدن مسائل در جامعه بسیار سخن گفته‌اند. در پاسخ‌ها به صورت وسیع احساس مسائل تجمع شده در جامعه مشاهده می‌شود. یکی از پاسخ‌گویان می‌گوید:

«اعتراضات اخیر، به‌درستی به منزله خروج انرژی از مفری بود که برای سال‌های سال فشرده شده است. از جنبه‌های مختلف، مردم ایران تحت فشارهای بسیاری هستند، از جنبه‌های بدیهی‌تر و اساسی‌تر مانند امرارمعاش و رفاه اقتصادی و خوراک و مسکن و پوشاک تا نیازهای سطح بالاتر مانند آزادی بیان، آزادی عقیده، آزادی احزاب و...»

یا پاسخ‌گوی دیگری این‌گونه می‌گوید:

«فشار اقتصادی، جنگ رسانه‌ای، مشکلات و ضعف‌های اجتماعی مثل نبودن بستر مناسب برای بیان عقاید و همین‌طور نداشتن آگاهی و تبیین‌شدن اصول اسلامی برای مردم باعث شده که به دنبال تلنگری برای شورش و آشوب هستند.»

یا دیگری بیان کرده است:

«تصور من از جامعه امروز ایران یک لیوان لبالب پر از آب است که کوچک‌ترین رویداد می‌تواند در سرنوشت آن تأثیر بگذارد.»

ج) نقش رسانه‌ها

بی‌شک یکی از متغیرهای تأثیرگذار در جهان کنونی، تأثیرگذاری رسانه‌های جمعی و شبکه‌های جمعی است. چندین نفر از مشارکت‌کنندگان به شرح ذیل ابراز عقیده داشته‌اند: «با اجبار و زور و تهدید شاید بتوان مدتی وقت خرید؛ اما در نهایت جامعه جهانی عقاید خودش را به جامعه‌ای به کوچکی یک کشور سرازیر می‌کند. من فکر

می‌کنم در این دنیایی که قدرت رسانه به‌شدت زیاد است و افراد هر جور که بخواهند می‌توانند اخبار را به نفع خود تغییر دهند نمی‌توانیم به صحت اخبار چه داخلی و چه خارجی اطمینان داشته باشیم».

«در این دوره یا زمان می‌توانیم نقشه رسانه را در شکل‌گیری یک اعتراض و تناقض در رسانه‌ها را جدی بگیریم، فردی که تا قبل از این اتفاق شهرت نداشت تبدیل به فردی شد حتی افرادی در فاصله‌های چند هزار کیلومتری از محل وقوع این حادثه زندگی می‌کنند به خانواده این فرد تسلیت می‌گویند».

د) سلطه و خشونت ادراک شده

در مفاهیم اصلی به‌صورت پر تکرار به احساس سلطه‌گری و خشونت برخوردیم. فارغ از اینکه خشونت واقعی باشد یا احساس خشونت مطرح باشد، در نوع نگرش پاسخگویان نسبت به وقایع نقش عمده‌ای را ایفا کرده است. یکی از پاسخگویان ابراز می‌دارد:

«مسئولان یک کشور وقتی متوجه موضوعی می‌شوند که مخالفان زیادی دارد آن هم به دلایل منطقی، حداقل آن این است که به آن موضوع رسیدگی کنند؛ اما متأسفانه مسئولان ما سرکوب شدید جوانان را در پیش گرفتند، سرکوبی که باعث عزادار شدن بسیاری از خانواده‌هایی شده که از راه مسالمت‌آمیز به گفتگو آمده‌اند».

پاسخگوی دیگری معتقد است:

«به عقیده من از الان به بعد دیده می‌دانیم که وحشتناک‌ترین نوع حکومت بلاشک دیکتاتوری مذهبی است؛ زیرا سردمداران آن خود را ولی و جانشین خدا می‌دانند و به طور ماکیاولیسم‌واری ایدئولوژی وحشتناک خود را پیش برده و فجیع‌ترین جنایات ممکن را رقم می‌زنند».

ه) احساس تناقض در تصورات دوجانبه حاکمیت - خویشتن

هنگامی که فرد احساس می‌کند هویتی مفروض دارد و هویتی غیرواقعی به او نسبت داده می‌شود برای رهایی از این تناقض و اثبات خویش دست به کنش‌های اعتراضی می‌زند. در اظهارات پاسخگویان این مفهوم تکرار شده است. یکی می‌گوید:

«امروزه ذهن ما، استعدادهای ما و نگرش‌های ما فراتر از انتظارات جامعه از ماست و همین موضوع جامعه را به یک زندان و قفس تبدیل می‌کند».

و دیگری این تناقض را این گونه شرح می‌دهد:

«در گذشته کوتاهی‌هایی صورت گرفته از جمله اینکه فکر می‌کردند که نسل ما نسل حسین فهمیده‌هاست که خانواده، فامیل و جامعه و به‌دوراز هر نوع اطلاعات خارجی یک اصول را در گوشه‌وکنار زندگی می‌بینیم و عمل می‌کنیم؛ ولی نسل جدید نسلی هوشمند و سخت باور هستند».

و) ناکارآمدی در نظام فرهنگی

از مفاهیم مورد اشاره مشارکت‌کنندگان، موضوع ناکارآمدی نظام فرهنگی بوده است بدین صورت که نتوانسته است در انتقال صحیح و کامل ارزش‌های اصیل دینی و ایرانی ایفای نقش نماید. به گفته‌های یکی از پاسخگویان اشاره می‌کنیم:

«متأسفانه نظام آموزشی ایران به‌دوراز پرورش استعدادهای خدادادی در گردش است و قابلیت‌های علمی و فرهنگی را نادیده می‌گیرد و به‌گونه‌ای تحمیل‌گونه... و ترکیب فرهنگ و دین‌مداری افراطی این بلا را بر سر انسان می‌آورد که تو نباید اشتباه کنی... در حالیه باید از فکر و ایده همین انسان برای توسعه فکری و فرهنگی استفاده شود».

ز) هیجان‌زدگی و تقلید از دیگران

یکی از مفاهیم مورد توجه مشارکت‌کنندگان، فوران هیجان‌ات و عواطف دوران جوانی است که زمینه‌ساز بروز رخدادهایی مانند اعتراضات یا تشدید آنهاست:

«... ولی خیلی از مردم فقط تحت‌تأثیر اکثریت وارد میدانی شدند و اصلاً متوجه نبودن که حرف اصلی این اعتراضات چیست و حتی متوجه به بیراهه رفتن این اعتراضات نشدند...»

و یا فرد دیگری که چنین می‌گوید:

«اما چیزی که در میان این اعتراضات بسیار کم‌رنگ است و این واقعاً مایه تأسف است این است که انگار قوه تفکر و یا تحلیل از جوانان تا حدی گرفته شده... شیوه‌ای که پیش گرفته شده قطعاً نتیجه عکس دارد».

ح) تغییرات اجتماعی

در نگرش مشارکت‌کنندگان، اندیشه وقوع تغییرات اجتماعی و تغییرات سبک زندگی به‌عنوان تحلیلی برای بروز اعتراضات جوانان مطرح شده است: «وضع جهان امروز بر پایه عقاید پست‌مدرن است، یعنی همه عقاید ارزشمند هستند؛ اما در فرهنگ ایران ما یک اجتماع به‌شدت پست‌مدرن داریم که کم‌کم دارد یاد می‌گیرد می‌تواند به سمت آن قدم بردارد».

ط) نقش چهره‌ها

چهره‌های تأثیرگذار (سلبریتی‌ها) که امروزه به مدد رسانه‌ها تأثیر شگفت‌انگیزی دارند، در زمینه‌سازی حرکت‌های اجتماعی بسیار توانسته‌اند تأثیرگذار باشند. در دیدگاه پاسخگویان به اظهارنظرهایی رسیده‌ایم که حکایت از باور به این تأثیرپذیری دارند: «حکومت با پیدا کردن سلبریتی‌های همراه و استفاده از الگوها، ارزش‌های اجتماعی را تغییر می‌دهد».

۳. راهبردهای کنش - تعامل

«راهبردها کنش یا برهم‌کنش‌های خاصی هستند که از پدیده محوری منتج می‌شوند» (دانایی فرد: ۸۴). در این پژوهش سه مقوله تلاش برای به‌رسم شناخته‌شدن ناشی از احساس به رسمیت نشناختن، مطالبه تشخیص و احترام و ادامه‌دار دانستن اعتراض به‌عنوان راهبردهای کنش - تعامل شناسایی شده‌اند. این کنش - تعامل‌ها، پاسخ‌های عینی افراد نسبت به موقعیت‌های اجتماعی است.

الف) تلاش برای به رسمیت شناخته‌شدن

یکی از پراهمیت‌ترین راهبردهای مشارکت‌کنندگان، استفاده از قالب اعتراض برای پیگیری موضوعی است که به رسمیت شناخته نشدن شخصیت اجتماعی، افکار و کنش‌های فرد در صحنه‌های اجتماعی گوناگون است. بدین لحاظ عموم پاسخ‌گویان بر این مهم اتفاق نظر داشته‌اند که طبق تصور آنها، حاکمیت و مجموعه ارکان آن نسبت به استقلال شخصیتی و اجتماعی ایشان موضع مثبتی ندارد.

«دیدگاه حاکمیت به من، یک دیدگاه برده‌گرایی است. انگار من موش آزمایشگاهی هستم و هر گونه بخواهند مرا سوق به سمت خودشان می‌دهند، آن‌چنان که هست نمی‌توانم زندگی را ببینم، انگار از دیدگاه تحمیلی جهان را می‌نگرم و هیچ دید مستقلی از خود نداشته‌ام، انگار نظام ارباب‌ورعیتی بر جهان حاکم است و آن‌گونه که بخواهند مرا شکوفا می‌کنند...».

«از دید من به‌عنوان یک جوان ایرانی بزرگ شده در خانواده‌ای مذهبی و سنتی در شهری نسبتاً کوچک، حاکمیت و هر آنچه که دارای قدرت و برتری بر من هستند، بارزترین ویژگی که دارند به رسمیت نشناختن فردیت و تفاوت‌های فردی میان افراد مختلف که دارای استعدادها، توانمندی‌ها، دیدگاه‌ها، نظرات و از همه مهم‌تر تفکرات و اندیشه‌ها و اندیشه‌ورزی‌های متفاوت هستند، می‌باشد.».

ب) نیاز به احترام و تشخص اجتماعی

وجود عناصری در جامعه که نوجوانان و جوانان را نسبت به نیاز دریافت احترام و کسب تشخص اجتماعی دچار حس سرخوردگی کرده به‌عنوان عنوان یکی از راهبردهای کنش-تعامل در اعتراضات اخیر شناسایی شد. بسیاری از مشارکت‌کنندگان احساس می‌کنند در مجموعه وضعیت‌های بیرونی از احترام و جدایی‌گزینی یا همان شخصیت متمایز و متفاوت برخوردار نبوده‌اند و همین باعث اتخاذ رویکردهایی اعتراضی در ایشان شده است.

«گمان می‌کنم که حاکمیت به دلیل تفاوتی که ما با نسل‌های قبل و خودشان داریم فکر می‌کند که ما باید با هر روشی اصلاح شویم و به صراط مستقیم که به نظرشان همان راه و روشی است که خودشان در پیش گرفته‌اند هدایت شویم. گمان می‌کنم که حاکمیت فهمید که تفاوت داریم اما ندانست که چگونه با تفاوت‌ها رفتار کند و تلاش بر وارد کردن انسان‌ها به کارخانه همسان‌سازی نکند.»

«این اعتراضات واسه اینه که فقط و فقط احترام»

ج) گرایش به ادامه اعتراض

هنگامی که فرد در نتیجه اتخاذ کنشی خاص، با پاداش‌های اجتماعی مواجه می‌شود، احتمال تکرار همان کنش برای او افزوده می‌شود. بسیاری از مشارکت‌کنندگان احساس می‌کنند که به‌وسیله اعتراض، تا حدی بخشی از پاداش‌های مورد انتظار را

دریافت کرده‌اند؛ یعنی دست‌کم، تا حدی جدی گرفته شده‌اند و در همه‌جا از آنها صحبت می‌شود؛ بنابراین کوشش می‌کنند تا در آینده نیز به کنش‌های اعتراضی خویش ادامه دهند.

«جنبش اخیر یکی از واقعی‌ترین جنبش‌های، به مشکلات به بایدها و نبایدها اعتراض دارد، در این جنبش یکی از دغدغه‌های اصلی زندگی است».

۴. پیامدها

پیامدها را می‌توان خروجی‌های واقعی یا احتمالی کنش - تعامل در نظر گرفت، به‌ویژه آنکه افراد همیشه به فکر عواقب کارهایشان هستند. بدین ترتیب افراد گزینه‌های مختلفی را با در نظر گرفتن کنش - تعامل انتخاب می‌کنند .

الف) گرایش به کشف حجاب

امروزه پوشش به‌عنوان یکی از جلوه‌های تعیین‌کننده سرمایه فرهنگی در سطح جوامع نقشی ویژه را ایفا می‌کند. مشارکت‌کنندگان در پژوهش کنونی نیز بر این مطلب توجه خاصی داشته‌اند:

«ما آزادی می‌خواهیم، آزادی برهنگی نیست... آزادی بی‌بندوباری نیست... آزادی یعنی من و تو با هر رنگ و لباسی و عقیده‌ای به هم احترام بزاریم، همدیگر را قضاوت نکنیم و عقایدمان را به هم تحمیل نکنیم».

ب) ناتوانی در فهم وضعیت

به دلیل تغییرات اجتماعی سریع و گسترده و نیز انواع محتوای منتشر شده در رسانه‌های اجتماعی، یکی از پیامدهای حاصل شده برای مشارکت‌کنندگان، ناتوانی در تشخیص تمام ابعاد وقایع بیرونی و تصمیم‌گیری در خصوص آنها بوده است:

«باتوجه به طول زندگی ۱۸ ساله بنده در امور مختلف، دروغ و حقیقت دوروی یک سکه بودند که همواره باتوجه به هر مسئله ممکن بوده دروغ یا حقیقت شنیده باشم. باتوجه به اینکه به این مسائل علاقه ندارم و دانش لازم را ندارم سکوت می‌کنم و نظری ندارم؛ چون حقیقت برای من روشن نیست».

یا فرد دیگری که این‌گونه اظهار می‌کند:

«در این روزها که تشخیص حق و باطل سخت شده، سؤالات زیادی ذهنم را درگیر کرده که جوابشان را در جواب سربالا پیدا نکردم».

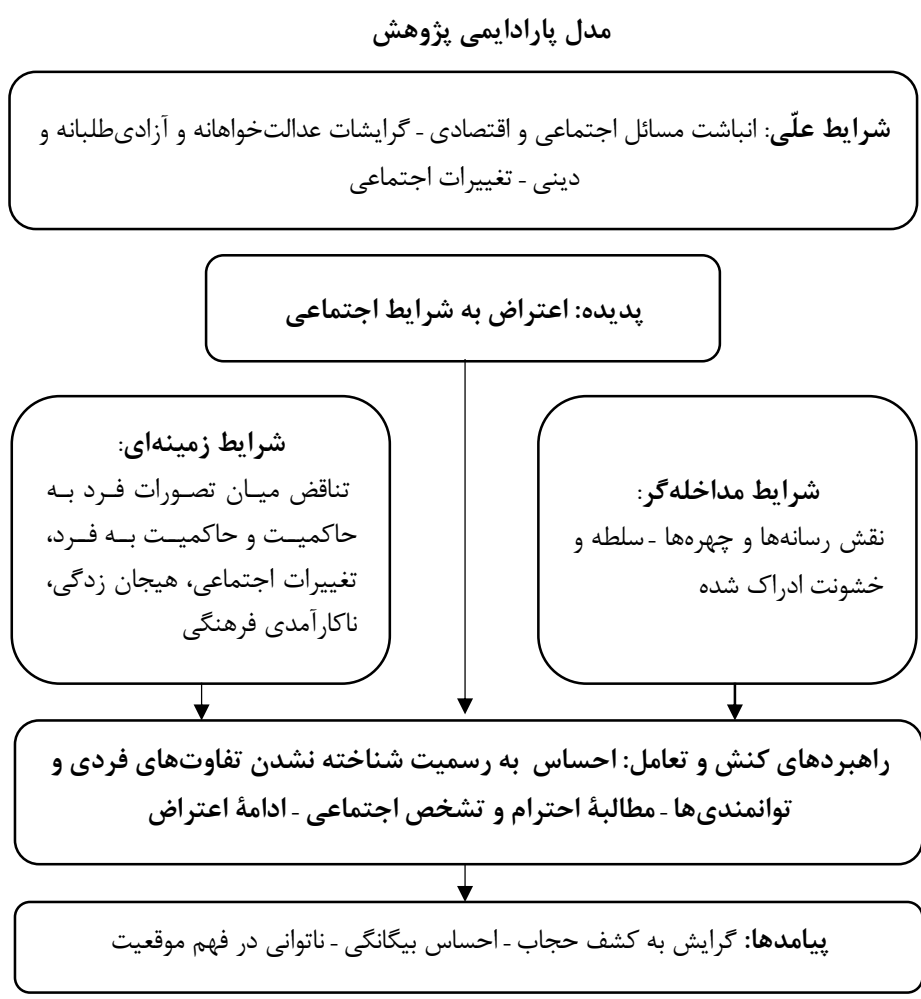
ج) احساس بیگانگی اجتماعی

در نتیجه تصویری که در ذهن کنشگر اجتماعی ناشی از فعل‌وانفعالات اجتماعی، انگ‌زنی و تبادلات اجتماعی نقش می‌بندد، فرد احساس طردشدگی پیدا می‌کند و خود را در اتمیزه می‌یابد.

«ما که در گذشته گودزیلاهای دهه هشتادی بودیم اکنون نسلی هستیم که دربارهمان زیاد چیزی نمی‌دانند، انگار هیچ‌وقت ما را نخواستند بفهمند... ما هیچ‌گاه بچه‌های عادی از نظر آنها نبودیم، احساس می‌کنم هیچ‌گاه نسل ما فهمیده نشد تنها آنها فهمیدند که ما با آنها فرق داریم که بازم خدا رو شکر»

مقاله هسته

یکی از جدی‌ترین چالش‌های مربوط به تحلیل داده‌های حاصل از روش نظریه‌زمینه‌ای، استخراج مقوله هسته‌ای است که بتواند پوشش‌دهنده مضامین مربوط به مفاهیم و مقوله‌های محوری تحقیق باشد. با در نظر گرفتن مفاهیم و مقوله‌های محوری تحقیق و در نظر گرفتن نظریه‌های جامعه‌شناختی موجود، تلاش افراد برای بازسازی تصویر فرد نزد جامعه به‌عنوان مقوله هسته ایفای نقش می‌کند. افراد می‌کوشند به انواع کنش‌های اجتماعی مانند پوشش، اعتراض، خشونت، اعتصاب، تحصن، شعار و... دست بزنند تا ذهنیت‌های متناقض خود را اصلاح کنند. جوانان دهه هشتادی از نسل‌هایی هستند که از یک سو دیگری تعمیم‌یافته نتوانسته است جای خود را برای آنها باز کند و از سوی دیگر شرایط محیط کنش مانند نقش رسانه‌ها، سلبریتی‌ها، انباشتگی مسائل اقتصادی و اجتماعی، دخالت‌های کشورهای بیگانه و... آنها را به سمت وسوی اعتراض و نفی هویت موجود و تلاش برای بازسازی آن وامی‌دارد.



بحث و نتیجه‌گیری

در تمامی فرایندهای پژوهش همواره این نکته مطرح نظر بود تا زوایای پنهان نگرش مشارکت‌کنندگان کشف شوند، اگرچه به دلیل ماهیت موضوع، مقتضیات زمانی و مکانی و برخی ملاحظات سیاسی و امنیتی، همواره کار پژوهش را سخت و سخت‌تر می‌کرد؛ اما با این حال به دلیل نوع ارتباط کیفی مستمر که بیش از ۱۴ جلسه درسی

یعنی بیش از ۲۰ ساعت را شامل می‌شد، بسیاری از این زوایای دید پاسخگویان، شناسایی و به رشته تحریر درآمد. بدین ترتیب این پژوهش بر این مدعا که شناختی مقدماتی برای تأمین نظریه‌ای از وضع موجود را فراهم آورده است پابرجاست و می‌تواند در صورت نیاز گوشه‌ای از توصیف نگرش‌های طیف جوانان این جامعه را برای سیاست‌گذاران برملا کند. سیاست‌گذاری اجتماعی امروز نیازمند استفاده از اندیشه‌های ملی، دینی و جهانی است که اولاً به شناختی همه‌جانبه دست یابد و ثانیاً با میدان دادن به تمامی عناصر اجتماعی که هر یک در حکم سرمایه‌های فکری این سرزمین هستند، راه پیشرفت و تعالی را بیش از گذشته هموار نماید. با تحولات رخ داده در عرصه جنبش زنان، می‌توان با قاطعیت بر این نکته تأکید کرد که مسیر تحولات آتی ایران‌زمین بدون تکیه بر نقش زنان غیرقابل تحقق است چنانچه در گذشته نیز چنان بوده است و زنان چه به صورت صریح و در صحنه و چه به صورت پنهان و پشت‌صحنه، به ایفای نقش تاریخی خود در تحول جامعه خویش پرداخته‌اند. بدین صورت است که نقش دانش معظم جامعه‌شناسی در این خصوص، فهم زوایایی است که یا کمتر به چشم می‌آیند و یا به دلیل عدم تکیه بر دانش، چندان مورد اعتنای سیاست‌گذاران نبوده است. اعتراضات سال ۱۴۰۱ در ایران یک نکته متمایز نسبت به بسیاری از اعتراضات خیابانی سال‌های گذشته ایران داشت و آن این بود که حضور زنان و دختران در این عرصه چشمگیر و تأثیرگذار بود.

منابع

- توسلی ، غلامعباس (۱۳۸۷). نظریه جامعه شناسی. تهران: نشر سمت.
- چارمز، کتی (۱۳۹۷). ساختن نظریه بنیادی. ترجمه مه‌ریار کاظمی موحد، و حمیدرضا ایرانی. تهران: نشر رسا.
- دانایی‌فرد، حسن و امامی (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد. نشریه اندیشه مدیریت، سال اول، شماره دوم، صفحات ۶۹ تا ۹۷.
- پناهی نسب، صادق و دیگران (۱۳۹۹). تحلیل جامعه‌شناختی جنبش دانشجویی در ایران بر مبنای نظریه رفتار جمعی نیل اسملسر. نشریه مطالعات دولت‌پژوهی در جمهوری اسلامی ایران، زمستان ۱۳۹۹، صفحات ۵۷ تا ۷۷.
- هراتی، جواد و یوسفی، رضا (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی انقلاب‌های جهان بر اساس نظریه جیمز دیویس. نشریه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۸.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی. ترجمه تورج یاراحمدی. تهران: نشر و پژوهش شیراز.
- کازینو، ژان (۱۳۷۰). جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی. ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی. تهران: اطلاعات.
- نقیب‌زاده، احمد و استوار، مجید (۱۳۸۸). بورديو و قدرت نمادین. فصلنامه سیاست. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- Blumer, H (1969) Symbolic Interactionalism :Perspective and Method, Berkeley university of california.
- Bourdieu, Pierre (1990) outline of a theory of practice, editor Richard Nice, university press, cambridge.